

سیاست آموزشی

یا شستشوی مغزی

روزم جمهوری اسلامی با تعالیم و احکامی که از چهارده قرن پیش اخذ کرده است نه تنها نیکوئی که بزرگسالان را شستشوی مغزی دهد بلکه مسترز آن ، بیشترین تلاش خود را به سخ کردن کودکان و فرود کردن لاطائلات خود به مغز آنها مصروف داشته است . رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از دستها قبل در فکر برنامه پررزی وسیع در این زمینه بوده است . شورای نظام آموزشی و پرورش عمومی ستاد انقلاب فرهنگی (پی) از نهاد های ضد مردمی بود که با مسئولیت باهنر (معدوم) امر تحقیق برامین اهداف فوق را بر عهده داشته و از سال ۵۹ به تحقیق پرداخته و نتایج آنرا در سال ۶۰ بهیرون داده است که مستفادش از آن در کیهان ۲۵ شهریور ۶۰ به چاپ رسید . تمام برنامه های این نهاد حول مسائل اعتقادی و اهداف جمهوری اسلامی بنظر تبدیل محصلین به گوسفندان مورد نیاز آینده رژیم که دور میزند . مناهعی که مورد مطالعه آنان قرار گرفته به ترتیب زیر ذکر شده اند : ۱ - قرآن ۲ - بیابهای امام ۳ - قانون اساسی ، مناهعی که جاسوسی برای رژیم اسلامی را یک امر واجب میدانند ، مناهعی که تسلیم و سر فرود آوردن در برابر ظلم ظالمان را تبلیغ میکند ، بهره کسی و کشتار و انواع و اقسام جنایات را مجاو می شمارد .

در جائی دیگر از بخش " پرورش سیاسی " میخوانیم :
 ۲- پرورش روحیه بد پرش و احترام به قانون اساسی و اطاعت از قوانین جمهوری اسلامی طبق عبارت فوق یکی از اساسی ترین وظائف وزارت آموزش و پرورش و مزدوران آن در مدارس اینست که روحیه تسلیم طلبی و سر سپردگی یا " روحیه بد پرش " احترام نسبت به قانون ولایت فقیه (دیکتاتوری شورشی) قبول هرگونه اعمال فاشیستی و اطاعت بی چون و چرا از هر قانون جنایتکارانه نظیر لایحه قصاص را در دستور کار پرورش دهند . مگر نه اینکه معنی لغوی اسلام اطاعت و فرمانبرداری محض و تسلیم است .

اهداف برنامه درسه بخش خلاصه شده است :
 ۱- پرورش و مهارت علمی
 ۲- آموزش
 ۳- اسکارآموزی

و صارت علمی . در قسمت تربیتی آمده است که دانش آموز باید " پسه آرمانهای جمهوری اسلامی مؤمن باشد " . یعنی کودکان باید از هم اکنون بصورت کارر جاویدان امام و بخدمت سرمايه برآیند .

حس احترام به پیشوایان دینی و احساس افتخار و عزت به حبت پذیرش اسلام و ایمان " بمعنی به جنایت کاران و مزدوران و غارتگرانی نظیر بهیستی (" ظلموم " با هنر (معدوم) ، خلخال دیوانه و به آرم کشانی نظیر رهنجانی ، خامنهای ، خنسی احترام بگذارند و از " زحما نشان در راه کشتار فرزندان خلق و غارت مردم زحمتکش و میرانی کشر ضحمتکش باشند و از وجود منحوس آنها احساس افتخار و عزت کنند .

در هده های آموزشی بیشترین و اساسی ترین تاکید بر روی " آموزش دینی و احترام به این امر گردیده و در زمینه فنون و علوم واقعی و آهسته آهسته بسیار ناچیز قائل شده است .

مثلا در باره ریاضیات میخوانیم :
 " ریاضیات بعد نیاز زندگی شش خواننده شود . براسی در نظام قدرون وسطائی جمهوری اسلامی چه نیازی به ریاضیات است . همین مقدار کافی است که بتوان فعلا " جرنگه انداخت ، حساب دخل و خرج را نگه داشت و تعداد " ضافقین و طحدهین " تیرباران شدهی هر روز راجع کرد .

در " تحریر الصیله " ص ۴۶۵ می نویسد که سازندگان فردای اسلام باید :

۱- دفاع از اسلام و جامعه اسلامی را با هر وسیله ممکن واجب بدانند .
 ۲- تحقیقات شورای نظام آموزش و پرورش عمومی ، ستاد انقلاب فرهنگی ، بخاطر تحقق هدف فوق و برای حفظ بیضی اسلام ، بکوشد که جاسوسان ، خیر چیرستان و جنایتکاران فردا را پرورش دهد .

اهداف تربیتی ، آموزش و پرورش رژیم چیزی نیست جز هموار کردن راه برای نیل به اهداف بلند مدت در حیل رشد سرمایه ، جباول مردم و تشد بیست اختناق و سرکوب هنوز و خشمناکه تر . اما براسستی ایده آل آن چیزی نیست که در واقعیت در جریان است و براستی که صیونده هیچگاه به چگونگی مرگ خود پی نخواهد برد .

در بخش " پرورش سیاسی " میخوانیم :

۱- پرورش قدرت ساخت معروف و منکر و قدرت پذیرش مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک وظیفه همتانی و متقابل .
 یعنی همان سیاست لودادن و جاسوسی کردن ، و تبدیل دانش آموزان به پایگاه ساواک اسلامی . اگر دانش آموزان و معلمان از یک چنین " قدرت شناخت " بر خوردار نباشند ، همان طوری که پرورش وزیر آموزش و پرورش در ۲۹ شهریور گفت ، بعنوان افراد مغرض از محیط آموزش رانده خواهند شد .
 افراد مغرض را در مدارس چائی نیست (پرورش ۲۹ شهریور)

طرحه " فرزندان این کشر " در چهار دبستانی مدارس اسلامی و " پرورش " اسلامی خلاصه میشود . آنان طرحه بزرگتری بنام اجتماع دارند که رژیم از بستن و محدود کردن آن ناتوان است و این طرحه دوم طرحه واقعی است که آموزگار بزرگ احساسات . تلاش رژیم در ساختن زندان در کارخانه ، در موزه و در طرحه در همه جا بوسه خاک ایران ، تلاش ذبحخانه است . در نیست روزی که درهای این زندان بترک گشوده شود و با نابودی زندانیان جنایتکار ، تمام اوهام و برنامه های پوشالی نظیر " برنامه نظام آموزشی و پرورش عمومی " و در سطحهای زباله مدفون گردند .